

«اندیشه‌های شهید بهشتی و نیازهای امروز»

سید خدایار مرتضوی

آیت الله شهید دکتر بهشتی از جمله شخصیت‌هایی است که در تاریخ معاصر ایران به ویژه در دوران انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی چه از لحاظ فکری و نظری و چه از لحاظ عملی و اجرایی تأثیرگذار بوده است. عرصه‌های مدیریت و سیاست، تعلیم و تربیت، معرفت‌شناسی و متدلوژی، نقد و گفتگوی علمی از جمله این عرصه‌هاست که شهید بهشتی در آنها حضور فعال و تأثیرات چشمگیری داشته و بینش و منش ایشان در هر کدام از این عرصه‌ها چگونه ای بوده است که می‌تواند برای نسل کنونی و نسل‌های آینده این مرز و بوم مفید و عبرت‌آموز باشد. نظم و برنامه‌ریزی دقیق و مثال‌زدنی، تصمیم‌گیری معقول بر اساس اطلاعات و داده‌های مستند، مشورت و استفاده از نظرات صاحب‌نظران، سعه صدر و تحمل آراء و دیدگاه‌های مخالف، تربیت نیروی انسانی، دید وسیع جهانی، تأسیس حزب جمهوری اسلامی به عنوان یک نهاد مدنی و مدرن، نقش بنیادین و محوری در تدوین قانون اساسی و طراحی نهادهای انقلابی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله دستاوردهای ایشان در عرصه مدیریت و سیاست است. در عرصه تعلیم و تربیت نیز می‌توان به نکاتی همچون تدریس در مدارس قم و تهران (آن هم به عنوان معلم زبان انگلیسی)، تأسیس دبیرستان دین و دانش به سبک جدید در قم، تلاش در جهت تحول نظام آموزشی حوزه‌های علمیه با توجه به اقتضانات فکری - اجتماعی دوران جدید (به خصوص گنجاندن دروسی چون زبان خارجی، تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی در برنامه آموزشی حوزه)، مشارکت در راه اندازی مدرسه علمیه حقانی با سبک و سیاق جدید، تربیت مبلغ خاص برای تبلیغ اسلام در کشورها و مراکز خاص جهانی و حضور مؤثر در سازمان برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش اشاره کرد که شهید بهشتی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ نسبت به تحقق آنها اهتمام خاص ورزیده و بخش عمده‌ای از عمر خویش را در این عرصه سپری نموده است. توجه خاص به گفت و گوی علمی و تقویت روحیه نقادی و پرسشگری، بررسی دقیق آثار و متون اصیل و دست‌اول فلاسفه غربی (همچون هگل، کانت و مارکس) به صورت گروهی و دسته‌جمعی و با استفاده از متخصصان مربوطه، نقد منصفانه و واقع‌بینانه آراء و افکار متفکران مسلمان و روشنفکران ایرانی با حفظ حرمت و شخصیت آنها و بدور از افراط و تفریط از دیگر ویژگی‌های شهید بهشتی بود که نسل کنونی و نسل‌های آینده، به ویژه دانشجویان و فعالان سیاسی، به شدت بیه آنها نیازمند بوده و خواهند بود. پژوهش درباره مقوله شناخت و شناخت‌شناسی از منظر اسلام، به ویژه از نظر قرآن و فطرت، بررسی راه‌های مختلف شناخت (مغز و عقل

و دل و عشق)، توجه به کارویژه های عقل نظری و عملی با توجه به دیدگاههای متفکران غربی (از جمله کانت و سارتر)، بکارگیری روش تحقیق چه در تألیف آثار و چه در سخنرانیهای علمی (همچون سلیله سخنرانیهای مسجد هامبورگ در باره محیط پیدایش اسلام) نشانگر جایگاه خاص مباحث معرفت شناسی و متدلوژیک در نظام فکری شهید بهشتی است. واضح است که امروزه یکی از معضلات اساسی حوزه علوم انسانی در کشور ما عدم توجه کافی به این مباحث، به ویژه در حوزه عمل و در انجام تحقیقات و پژوهشهای روشمندی است، بگونه ای که حتی پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی ما نیز از این لحاظ مستثنی نبوده و همچنان با آن دست به گریبانند. این نکات و دهها نکته ریز و درشت دیگر که در این مقاله به پاره ای از آنها اشاره شده است، همگی مبین این واقعیت اند که شهید بهشتی واجد آراء و اندیشه هایی است که با موشکافی و بازنگری آنها می توان راهکارهای برای حل مشکلات و رفع نیازهای مبتلابه جامعه کنونی ایرانی ارائه داد. با وجود این، هنوز هم بعد از گذشت قریب سه دهه از شهادت شهید بهشتی، اندیشه های وی در جامعه ایران و حتی در محافل علمی اعم از محافل آکادمیک و حوزوی، آنچنانکه باید و شاید شناخته شده نیستند و تاکنون تلاش درخور و برنامه ریزی شده ای نیز در این جهت صورت نگرفته است و از این لحاظ حقیقتاً شهید بهشتی مظلوم واقع شده است و این مظلومیت ایشان در عرصه اندیشه و تفکر به مراتب دردناک تر و سهمگین تر از مظلومیت او در سایر ابعاد و عرصه هاست، مظلومیتی که ضرر و زیان آن بیش از آنکه معطوف به شخص ایشان باشد، متوجه جامعه ایران و نسل های حال و آینده خواهد بود.

واژگان کلیدی: اندیشه های شهید بهشتی، مدیریت، سیاست، تعلیم و تربیت، نقد و گفت و گوی علمی، معرفت شناسی و متدلوژی.